



تصادف مرگبار پژو با تیر چراغ برق
معاون اجتماعی پلیس راهور تهران از تصادف مرگبار یک پژو پارس خبر داد. به گفته سرهنگ فیروز کبیر، این حادثه ساعت ۵:۵۰ صبح دیروز در بزرگراه آزادگان و در خروجی شهرک استقلال رخ داد و به دنبال تصادف یک پژو پارس با تیر چراغ برق، راننده جانش را از دست داد.

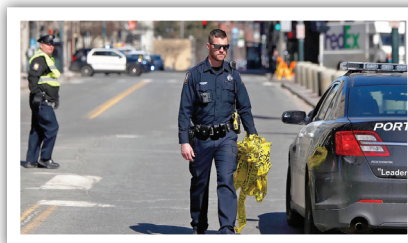
بسته خبری خارجی

حبس ابد برای مادر هیولا



مادر فرانسوی که دختر ۱۳ ساله‌اش را به دلیل شباهت با پدرش به قتل رسانده بود، به حبس ابد محکوم شد. به گزارش همشهری به نقل از دیلی میل، ۱۶ اگوست ۲۰۲۰، پلیس فرانسه در جریان مرگ مشکوک یک دختر ۱۳ ساله به نام آماندین قرار گرفت. مأموران از همان زمان تحقیقات خود را آغاز کردند و بررسی‌ها نشان داد که این دختر در زمان مرگ فقط ۲۸ کیلو وزن داشت و همچنین چند دندان خود را از دست داده، موهایش کنده شده و بدنش از زخم‌های عفونی پوشیده شده بود. همه شواهد نشان می‌داد که او مورد کودآزاری قرار گرفته بود و در این شرایط پسرار، ۵۴ ساله، مادر دختر نوجوان دستگیر شد. به گفته پلیس، این زن دخترش را در انباری خانه‌اش حبس کرده بود و علاوه بر سرسنگی دادن، وی را شکنجه می‌کرد. این زن که رسانه‌ها او را «مادر هیولا» نامیده‌اند، اعتراف کرد که چون دخترش شبیه شوهرش (پدر دختر) بوده و وی از شوهرش نفرت داشت، او را شکنجه کرده است. این زن روز جمعه گذشته در دادگاهی در فرانسه به حبس ابد محکوم شد.

کرایه تاکسی برای سرقت از بانک



کرایه کر کردن یک تاکسی توسط سارق بانک برای دزدی پول‌های بانکی در ایالت بوستون از دیگر اخبار حوادث رسانه‌های دنیا در روز گذشته بود. به گزارش فاکس نیوز، ۲۲ ژانویه پلیس بوستون در جریان سرقت از یک بانک در خیابان هایلند قرار گرفت. یکی از کارمندان بانک مخفیانه پلیس را در جریان این دزدی قرار داده بود. مأموران بلافاصله خود را به بانک رساندند. سارق بعد از دزدیدن پول‌های بانک با یک کوله پشتی از بانک خارج شد و وقتی خود را در محاصره پلیس دید، به سرعت سوار یک تاکسی شد که از قبل منتظرش بود. مأموران پلیس مانع حرکت تاکسی شدند و توانستند سارق و راننده تاکسی را دستگیر کنند. راننده تاکسی به نام دنیس فرانته که نمی‌دانست چه اتفاقی افتاده است، به پلیس گفت امروز صبح مشغول به کار بودم که فردی در نزدیکی یک فروشگاه مواد غذایی سوار ماشینش شد و از من خواست او را به بانک ببرم و در آنجا توقف کنم تا برگردد. به گفته پلیس، تحقیقات نشان می‌دهد که راننده تاکسی دستورات دزد را اجرا کرده است و سارق که بازداشت شده به‌زودی در دادگاه حاضر خواهد شد.

جنایی

افشای راز قتل خواهر توسط ۲ برادر پس از ۳۶ سال

تحقیقات درباره دختری که ۳۶ سال قبل به طرز مرموزی ناپدید شده بود نشان داد که او توسط ۲ برادرش به قتل رسیده است. به گزارش همشهری، سال گذشته شکایتی به پلیس آگاهی شهرستان نور رسید که در آن زنی مدعی بود زمانی که کودک خردسال بوده، مادرش به‌علت جرایم مالی روانه زندان شده اما پس از آزادی از زندان ناپدید شده است. به‌دنبال ثبت این شکایت، بررسی‌های فنی در این باره در پلیس آگاهی نور آغاز و مشخص شد مادر شاکتی بعد از آزادی و متراکه از همسرش، در منزل پدری خود زندگی می‌کرده و از آن به بعد کسی از سرنوشتش اطلاعی ندارد. در این شرایط ۲ برادر بزرگ‌تر این زن به‌عنوان مطلع احضار شدند و در بازجویی‌ها به قتل خواهرشان به‌علت اختلافات خانوادگی اعتراف کردند و گفتند که او را سال ۱۳۶۷ به قتل رسانده‌اند. سرهنگ احمد امینی، فرمانده انتظامی نور گفت: ۲ برادر قاتل روانه زندان شدند و تحقیقات تکمیلی در این باره ادامه دارد.



الهه فر امانی

روزنامه‌نگار

۲ مرد تبهکار که در یک بند زندانی بودند، روی یک پاکت سیگار، نقشه سرقت و کلاهبرداری کشیدند و به‌محض اینکه درهای زندان گشوده شد و آزاد شدند، نقشه‌هایشان را عملی کردند اما در نهایت دستگیر شدند و دوباره به زندان بازگشتند. به‌گزارش همشهری، ۲۸ آذرماه امسال زنی به اداره پلیس رفت و گفت گوشی موبایلش را در اتوبوس سرقت کرده‌اند. وی توضیح داد: در خیابان ولیعصر، درحالی‌که فرزندم بغلم بود اتوبوس شدم. کنار من مادر و دختری ایستاده بودند و سر صحبت را با من باز کردند. حتی دختر جوان که روی صندلی نشسته بود، جایش را به من داد تا با فرزندم روی صندلی بنشینم اما پس از آنکه آنها از اتوبوس پیاده شدند، هرچه دنبال گوشی موبایلم گشتم، نبود. حدس زدم مادر و دختر گوشی مرا به سرقت برده‌اند تا اینکه ساعاتی بعد متوجه شدم آنها با نفوذ به گوشی ام

سارقان تبیل

و حبس و هومن مدعی هستند که به‌خاطر تبیلی، تبدیل به سارق شده‌اند، چون حوصله کار کردن نداشتند. گفت‌وگو با یکی از آنها را بخوانید.

از جزئیات نقشه‌ای که کشیده بودید بگو.

از کجا شروع کنم؟ همه اینها نقشه من بود. هم سرقت می‌کردیم و هم کلاهبرداری. البته سرقت را خودمان انجام نمی‌دادیم. برای این کار مادر و دختری را استخدام کرده بودیم اما پشت پرده کلاهبرداری‌ها خودمان بودیم.

نقشه را کی کشیدید؟

وقتی در زندان بودیم. جزئیاتش را روی یک پاکت سیگار داخل بند نوشتم و وقتی آزاد شدیم، موبه‌مو اجرائیش کردیم. اول از همه مادر و دختری جیب‌باز را استخدام کردیم. کار آنها این بود که داخل اتوبوس یا در شلوغی بازار گوشی سرقت کنند. بعد گوشی‌ها را تحویل ما می‌دادند و سهم‌شان را می‌گرفتند. وقتی گوشی‌ها به دست‌مان می‌رسید، سیم کارت را از داخلش درمی‌آوردیم و درون یک گوشی دیگر قرار می‌دادیم. سپس از طریق تلگرام و واتساپ به مخاطبانش پیام می‌فرستادیم. پیام‌هایی با این مضمون که تصادف کرده‌ایم یا در بیمارستان هستیم و نیاز به پول داریم. خلاصه به بهانه‌های مختلف برای مخاطبان، پیام می‌فرستادیم و از ۳ تا ۵ میلیون تومان از افراد پول در خواست می‌کردیم.



آزادی بانوی ۷۳ ساله از زندان با فیش حج پزشک تبریزی
یک پزشک تبریزی که درخواست نامش فاش شود، هزینه پزشک حج خود و همسرش را برای آزادی زن ۷۳ ساله از زندان مرکزی تبریز هزینه کرد. این پیرزن به دلیل سانه انفجار گاز در خانه‌اش که منجر به ایراد خسارت به همسایه‌ها شده بود در زندان بود در سن ۷۳ سالگی.

۲م‌بندی در زندان، نقشه‌هایی برای سرقت و کلاهبرداری کشیدند

پایان کلاهبرداری‌های دزدان تبیل

از طریق تلگرام و واتساپ و به‌همه دوستان و بستگانم پیام فرستاده و به بهانه‌های مختلف درخواست پول کرده‌اند. برخی از آنها هم از همه‌جایی خبر و به گمان اینکه من دچار مشکل شده‌ام، پول را به حسابی که فرد کلاهبردار گفته بود، واریز کرده‌اند.

شروع تحقیقات

پس از ثبت اظهارات این زن، پرونده‌ای تشکیل شد و گروهی از مأموران پلیس آگاهی تهران تحقیقات خود را زیر نظر بازپرس شعبه پنجم دادسرای ویژه سرقت آغاز کردند. تیم تحقیق در نخستین گام به بررسی شماره حساب‌هایی پرداختند که دوستان شاکتی به آن پول واریز کرده بودند. حساب‌ها متعلق به چند مرد بود که مأموران با انجام اقدامات اطلاعاتی آنها را شناسایی و دستگیر کردند.

مگر صاحبان خط سیم کارت‌ها بی‌شان را نمی‌سوزاندند؟

زمان طلایی که می‌گویند همین است. بعد از ساعت اداری، نمی‌شود سیم کارت را سوزاند. یعنی طرف باید صبر کند تا روز بعد که سیم‌کارتش را بسوزانند. ما هم معمولاً از مادر و دختر می‌خواستیم بعد از ساعت اداری سرقت‌ها را انجام بدهند.

پول کلاهبرداری را به حساب معناتان واریز می‌کردید؟

درست است. ما کارت عابر بانک افراد معنادر به مدت ۲ یا ۳ روز اجاره می‌کردیم و معمولاً برای هر کارتی که ۲ یا ۳ روز دست‌مان بود، یک میلیون تومان می‌دادیم.

از هر گوشی که سرقت می‌کردید، چقدر گیرتان می‌آمد؟

بستگی داشت. گاهی اوقات همه مخاطبان صاحب گوشی که برایشان پیام می‌فرستادیم فریب می‌خورند و پول واریز می‌کردند و رقم آن بالای ۵ میلیون تومان هم می‌شد؛ گاهی هم، نه. زیر ۵ میلیون تومان. ما معمولاً به ۲۰ تا ۳۰ درصد می‌فرستادیم.

با گوشی‌ها چه کار می‌کردید؟

هدف‌مان بیشتر کلاهبرداری بود. حتی گوشی موبایل‌های سرقتی را در سطل‌های زباله رها می‌کردیم چون می‌ترسیدیم اگر به مال‌فروشمی گیر بیفتیم. مگر مال‌فروشمی سرقتی را می‌خرید؟ به ریسکش نمی‌آورد. از طرفی من و دوستانم در ذات طلب و تبیلی هستیم. اصلاً به همسین دلیل خلاف و سرقت را انتخاب کردیم. دوست داریم پشت میز بنشینیم و پول به حساب‌مان واریز

متهمان پس از سرقت گوشی تلگرام و واتساپ آنها را هک و نقشه کلاهبرداری را عملی می‌کردند

متهمان دستگیر شده، معناد بودند و می‌گفتند کارت‌های عابر بانک‌شان را به مدت ۲ یا ۳ روز به ۲ مرد جوان به نام‌های وحید و هومن اجاره داده بودند. در این شرایط تحقیقات برای دستگیری آنها آغاز شد و مأموران از مردان معناد خواستند که با این ۲ نفر به بهانه اجاره دادن کارت بانکی، قرار بگذارند. در این شرایط مأموران محل قرار صوری را به‌صورت نامحسوس تحت کنترل قرار دادند و آنها را دستگیر کردند. وحید و هومن از مجرمان سابقه‌دار در زمینه سرقت بودند که به‌تازگی از زندان آزاد شده بودند. آنها در بازجویی‌ها به سرقت و کلاهبرداری اعتراف کردند و گفتند که برای سرقت و جیب‌بری در اتوبوس‌های بی‌آرتی، یک مادر و دختر را استخدام کرده بودند. حالا تحقیقات برای دستگیری مادر و دختر سارق ادامه دارد.

شود. البته ما یک نقشه دیگر هم برای کلاهبرداری داشتیم. با سیم کارت‌های سرقتی در سایت‌های مختلف، آگهی فروش ماشین‌های خارجی با قیمت خیلی پایین می‌گذاشتیم. زیر آگهی می‌نوشتم به دلیل بهانه‌های بی‌آرتی، یک مادر و دختر را استخدام کرده بودیم. حالا تحقیقات برای دستگیری مادر و دختر سارق ادامه دارد.

چطور این ایده‌ها به ذهن‌تان خطور کرد؟

زندان برای خودش دانشگاهی است. در آنجا کلاهبرداری یاد می‌گرفتند که با مردم تماس می‌گرفتند و به بهانه برنده شدن در مسابقات مختلف، آنها را پای دستگاه خودپرداز می‌کنشاندند و حساب‌شان را خالی می‌کردند. وقتی این موضوع را متوجه شدیم، گفتیم چه کاری است که به خودمان زحمت سرقت بدهیم و استرس به خودمان وارد کنیم؛ هر لحظه هم ممکن است بعد از سرقت گوشی، پلیس تعقیب‌مان کند یا به دام شاکتی گرفتار شویم. بهترین کار این بود که پشت میز بنشینیم و سارق استخدام کنیم و خودمان پشت میز باشیم اما خب بخت با ما یار نبود که خیلی زود گیر افتادیم.



مهر مادری قاتل را از قصاص نجات داد

پسر جوان که ۴ سال پیش به جرم قتل به قصاص محکوم شده بود با بخشش بی‌قیدوشرط مادر مقتول از قصاص گریخت. به گزارش همشهری، مهر سال ۱۳۹۶، پلیس کرج در جریان درگیری خونینی قرار گرفته بود که منجر به قتل پسر جوانی شده بود. درگیری بین ۲ پسر ۱۷ و ۱۸ ساله در خیابان برغان رخ داده و یکی از آنها با ضربه چاقو به قتل رسیده بود. عامل جنایت پس از درگیری قرار کرده بود که با تحقیقات انجام شده، هویت وی شناسایی و او دستگیر شد. متهم در بازجویی‌ها گفت: مقتول را نمی‌شناختم. آن روز برای انجام کاری به خیابان برغان رفته بودم که با او چشم در چشم شدم. نمی‌دانم چه شد که عصبانی شدم و به او گیر دادم و وقتی دعوا بالا گرفت با چاقویی که همیشه همراهم بود چند ضربه به او زدم و فرار کردم. من فکر نمی‌کردم که او جانش را از دست داده باشد تا اینکه مأموران به مقابل خانه ما آمدند و دستگیر می‌کردند و او بی‌خود که متوجه شدم جان نفر را گرفته‌ام.

دادسرا

متهم درخواست قصاص کردند. قاتل نیز در جلسه محاکمه بار دیگر جزئیات روز حادثه را شرح داد و درخواست بخشش کرد. او می‌گفت که بشیمان است و قصد جنایت نداشته و دچار جنون آنی شده و ناخواسته پسر جوان را به قتل رسانده است. با این حال با توجه به درخواست اولیای دم، قضات دادگاه او را به قصاص محکوم کردند.

۴ سال پشت میله‌های زندان

هر چند متهم به قتل به‌رأی دادگاه اعتراض کرد، اما این رأی در دیوان عالی کشور تأیید و شش‌ماه معکوس برای اجرای حکم قصاص آغاز شد. در تمام سال‌هایی که قاتل در زندان به سر می‌برد واحد صلح و سازش دادسرا و خیرین، بارها برای گرفتن رضایت از اولیای دم اقدام کرده بودند، اما تلاش هیچ‌یک راه به جایی نبرد. تا اینکه چهارشنبه ۱۴مهر، درست هنگامی که قرار بود قاتل قصاص شود و پای چوبه دار برود، ورق برگشت و دل مادر مقتول نرم شد و رضایت داد.

مکت

بخشش در لحظه آخر

آن روز پسر جوان از بند به قرنطینه زندان، جایی که محکومان به قصاص آخرین ساعات عمرشان را می‌گذرانند، منتقل شده بود. همه چیز برای اجرای حکم مهیا و خانواده مقتول نیز در زندان حضور یافتند تا حکم را اجرا کنند. حمید کریمی، از خیران استان البرز که سال‌هاست در راه گرفتن رضایت برای محکومان به قصاص قدم برمی‌دارد و تاکنون ۴۷ نفر را از پای چوبه دار به کمک دیگر خیران نجات داده است، در گفت‌وگو با همشهری می‌گوید: با توجه به اینکه قاتل در سن کمی مرگت قتل شده و در همه این مدت ابراز ندامت و بشیمانی کرده بود، تصمیم گرفته بودیم برای نجات او تلاش کنیم. اما مادر مقتول اصلاً راضی نمی‌شد که از قصاص بگذرد. حتی پیشنهاد دهنه ووجه‌المصلحه را هم نمی‌پذیرفت. با این حال تصمیم گرفته بودیم به تلاش‌مان تا لحظه آخر ادامه بدهیم. او توضیح می‌دهد: قاتل به قرنطینه منتقل شده و چیزی به اجرای حکم نمانده بود. مادر مقتول همه‌جان درخواست قصاص داشت. در این شرایط تصمیم گرفتیم برای آبر و حراف برزیم. وقتی شروع به صحبت با سارق کردیم، حالش چنان بد شد که از هوش رفت. آخرین جمله‌اش این بود که نمی‌خواهد از قصاص بگذرد اما بعد از اینکه به هوش آمد و حالش بهتر شد، انگار که معجزه‌ای رخ داده باشد، ناگهان گفت می‌بخشم و از قاتل بپسرم می‌گذرم. ما هنوز هم نمی‌دانیم چه اتفاقی رخ داده که ناظرش را تغییر داد اما این مادر بزگوار حتی اعلام کرد که برای گذشت نه‌دی به می‌خواهد و نه شرطی می‌گذارد و فقط به خاطر اینکه مادر دیگری داغدار فرزندش نشود، قاتل پسرش را می‌بخشد. با بخشش مادر مقتول، جوان محکوم به قصاص از مجازات مرگ گریخته و قرار است از لحاظ جنبه عمومی جرم محاکمه شود.



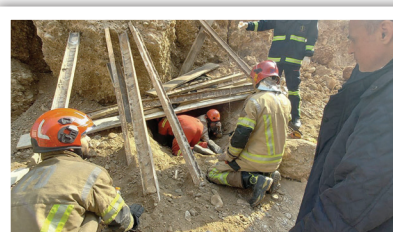
دوشنبه ۸ بهمن ۱۴۰۳ - شماره ۹۳۱۶



صفحه ۱ از ۱۰ | علیرضا شاپوری

خبر خوب

نجات معجزه‌آسای کارگری از زیر آوار



کارگر جوان که در حادثه ریزش آوار ساختمانی در حال ساخت تا کمر زیر آوار گرفتار شده بود در عملیات آتش‌نشانی از مرگ نجات پیدا کرد. به گزارش همشهری، ساعت ۱۱:۴۷ دیروز (یکشنبه) به مرکز فرماندهی آتش‌نشانی تهران خبر رسید که گوگرداری ساختمانی در حال ساخت ریزش کرده و دست‌کم یک کارگر زیر آوار گرفتار شده است. آتش‌نشانی از ۱۲ دستگاه در کوتاه‌ترین زمان ممکن خود را به محل حادثه در خیابان اندیشه سوم رساندند. آنجا مینی‌بو به وسعت حدود ۴۰ متر بود که در ۲۰ متر از آنجا گوگرداری به عمق کمتر انجام شده بود. شواهد نشان می‌داد کارگران در حال کار در ضلع شرقی بودند که دیواره ریزش کرده و یکی از کارگران تا کمر زیر آوار مانده و امکان خارج شدن ندارد. شرایط این آوار طوری بود که امکان داشت دیوار دیواره ریزش کند و کارگر به‌طور کامل زیر آوار بماند. در این شرایط آتش‌نشانی ابتدا به ایمن‌سازی محل پرداختند و در شرایطی که به کارگر ۲۸ ساله هوارسانی می‌شد آواربرداری ادامه پیدا کرد و آتش‌نشانی موفق شدند بعد از حدود ۴ ساعت این کارگر را نجات دهند. هر چند او دچار مصدومیت شده بود اما از این حادثه جان سالم به در برد.

آموزش

نکات مهم هنگام معامله ملکی



بعضی از کلاهبرداری‌ها هنگام خرید و فروش ملک اتفاق می‌افتد. فکر کنید یک خانه همه دار و ندار یک نفر است و قصد فروش آن را دارد و سرش کلاه برود. یا اینکه فردی همه دارایی‌اش را نقد کرده تا یک خانه نقلی برای خودش دست و پا کند اما گرفتار یک کلاهبردار شود و دارایی‌اش از بین برود. برای اینکه چنین اتفاق تلخی برای‌تان نیفتد لازم است آگاهی‌های حقوقی‌تان را بیشتر کنید. سمیرا مقدسی، وکیل دادگستری در این باره به همشهری می‌گوید: یکی از این موارد خرید ملک از فردی است که ملک را با مبیعه‌نامه خریده است. در این موارد لازم است مبیعه‌نامه قبلی ملک را به دقت بخوانید و مطمئن شوید که شرط‌های قرارداد کامل انجام شده باشد. برای مثال اگر در مبیعه‌نامه قید شده باشد که چنانچه چک در زمان مقرر وصول نگردد برای فروشنده حق فسخ یکطرفه ایجاد می‌شود مطمئن شوید در سررسید چک، مبلغ چک پرداخت شده باشد. باید در جلسه خرید ملک، مالک اول که سند رسمی به نام وی است حاضر باشد و اگر حاضر نیست با او تماس بگیرید و از صحت و سقم مبیعه‌نامه اول ملک اطمینان حاصل کنید. او ادامه می‌دهد: نکته مهم دیگر این است که از مالک بودن فروشنده با چک کردن و بررسی کارت ملی و اصل سند ملک اطمینان حاصل کنید. اگر شخص فروشنده در واقع وکیل صاحب ملک است باید حتماً در کالتنامه به صراحت و کالت در فروش و مبیعه‌نامه قید شده باشد و آدرس ملک قید شده باشد. بهتر است اقدام به استعلام و کالتنامه از طریق دفتر خانه یا سایت اسناد کنید تا در صورت عزل وکیل از این امر مطلع شوید. این حقوقدان در ادامه می‌گوید: اگر معامله با کالتنامه انجام می‌شود حتماً به این نکته مهم توجه شود که در متن کالتنامه قید شده باشد وکیل مدنی فروشنده حق دریافت ثمن و پول معامله را دارد؛ چرا که اگر وکیل حق دریافت ثمن و پول را نداشته باشد خریدار پول معامله را به او پرداخت کند، گویی اصلاً پولی بابت معامله پرداخت نشده است و فروشنده می‌تواند مجدد از خریدار مطالبه پول کند.

فراخوان مزایده

تالار و رستوران سنتی

مجموعه‌ای در نظر دارد نسبت به اجاره تالارهای پذیرایی و رستوران سنتی به مدت ۳ سال از طریق مزایده عمومی اقدام نماید.

متقاضیان برای کسب اطلاعات بیشتر جهت

بازدید و دریافت اسناد مزایده با شماره تلفن ۰۹۱۲۵۱۲۱۸۷۹ و ۰۲۱۴۲۱۳۱۹۳۰ تماس حاصل نمایند.

اعترافات جدید مرد مرده در دادسرای جنایی

می‌شناخت و با او دچار اختلاف شده بود، به‌صورت اتفاقی سعید را در زندان دیدم و موضوع را به زندانبان اطلاع داد. به این ترتیب سعید دستگیر شد و برای بازجویی به تهران انتقال یافت. بررسی‌های نشان می‌داد که او به جرم قاچاق مواد مخدر دستگیر شده است اما خودش را فرهاد چاره‌زده بود. سعید که حالا رازش فاش شده بود، تحت بازجویی قرار گرفت اما اصرار داشت که از سرنوشت مردی که در معازة نانوائی دچار برق‌گرفتگی و به جای او دفن شده، بی‌اطلاع است. از سوی دیگر خانواده سعید می‌گفتند که او چند سال قبل بدهی سنگینی بالا آورد و برای فرار از طلبکاران، تصمیم گرفته نقش مرده را بازی کند. خانواده سعید مدعی شدند که وی یک روز به آنها زنگ زده و از آنها خواسته به نانوائی بروند و فردی را که در آنجا فوت شده، به جای او معرفی کنند. حتی از آنها خواسته بود که برایش مراسم ختم بگیرند و به همه بگویند که سعید بر اثر برق‌گرفتگی در نانوائی جان باخته است. در این شرایط بازپرس دادسرای جنایی دستور آزمایش‌دی‌ان‌ای صادر

به‌هکار فراری که ۳ سال تمام خودش را جای فردی مرده معرفی کرده بود، ادعا می‌کند جسدی که جای او دفن شده، کارگر مغازه‌اش بوده است. به‌گزارش همشهری، اوایل تابستان ۱۴۰۰، مأموران پلیس تهران در جریان مرگ یک نانوا در نانوائی‌اش در جنوب تهران قرار گرفتند. او سعید نام داشت و خانواده‌اش می‌گفتند که وی برای نظافت نانوائی به آنجا رفته اما بعد از چند ساعت که برنگشته بود، نگرانش شده‌اند. برای همین به نانوائی رفته‌اند و در آنجا با جسد بی‌جانش روبه‌رو شده‌اند. سر و صورت سعید دچار سوختگی شده بود و به‌نظر می‌رسید که هنگام کار دچار برق‌گرفتگی شده است. از آنجا که صورتش کاملاً سوخته بود، خانواده‌اش، وی را از روی لباس‌ها و ظاهرش شناسایی کردند و به این ترتیب برای سعید گواهی فوت صادر شد و خانواده‌اش با انتقال پیکرش به شهرستان، او را به خاک سپردند. بعد از گذشت ۳ سال اما ردی سعید، فردی که در همه این سال‌ها به‌نظر می‌رسید فوت شده است، در زندانی واقع در کرمان به‌دست آمد. یکی از زندانبان که از قبل سعید را

